

بسم الله الرحمن الرحيم

پیام آگاهی برای ضرورت تحول در نظام مالی

دکتر سعید اسلامی بیدگلی^۱

محمد رضا معادیخواه^۲

اخیراً وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی آقای دکتر طیب‌نیا در وبسایت شخصی خود طی یادداشتی هشت ابرپروژه کلیدی این وزارتخانه را معرفی کرده‌اند که از جمله آن‌ها بهبود محیط کسب‌وکار بوده است.^۲ «یکی از بخش‌های مهم هر اقتصاد پیشرفته‌ای، داشتن یک بخش مالی توسعه‌یافته است.»^۱ و برای همین هم هست که یکی از شاخص‌های مهم در سنجش فضای کسب‌وکار و رقابت‌پذیری متوجه «بخش مالی» است. ارزیابی «بخش مالی» در گزارش سال ۲۰۱۴-۱۵ رقابت‌پذیری جهانی^{۱۱} با کیفیت تخصیص منابع پس‌اندازشده از سوی شهروندان به پروژه‌های سرمایه‌گذاری و کارآفرینانه با بازدهی بالا فارغ از ملاحظات سیاسی اندازه‌گیری شده‌است که به نظر می‌آید از این جهت با پتانزلی که جناب وزیر برای توضیح این ابرپروژه آورده‌اند یعنی «بسترسازی و توانمندسازی اقتصاد مردمی» تا اندازه‌ای سازگار باشد. توجه به ارزیابی مناسب ریسک و همچنین دسترسی مناسب بخش خصوصی به منابع مالی و وجود بازارهای قانون‌مند و ابزارهای مختلف و متنوع مالی در کنار بانک‌هایی مورد اعتماد و شفاف نیز در ارزیابی مؤثر بوده‌اند. در این یادداشت تلاش شده‌است تا با نیم‌نگاهی به عملکرد بانک‌ها و بخش مالی در دوره تحریم، به ضرورت تحول نظام مالی کشور برای تحقق اهداف این ابرپروژه پرداخته شود.

تشریح یک چارچوب مفهومی برای کسب‌وکار بین‌المللی

«بخش مالی توسعه‌یافته به منزله راهی است که از طریق آن پس‌اندازها می‌توانند به سمت سرمایه‌گذاری مولد و بهره‌ور جهت‌دهی شوند.»^{۱۱} رتبه توسعه‌یافتگی بازارهای مالی در ایران چه در گزارش رقابت‌پذیری جهانی سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ و چه در گزارش سال ۲۰۱۴-۲۰۱۵ (WEF، ۲۰۱۵)، ترجیح‌بند تحلیل‌هایی بوده‌است که خواسته‌اند نشان دهند، تأمین مالی در ایران روزگار خوشی را نمی‌گذراند و پس‌اندازها و سرمایه‌های کشور،

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

۲. دانشجوی دکتری مالی، دانشگاه علامه طباطبایی

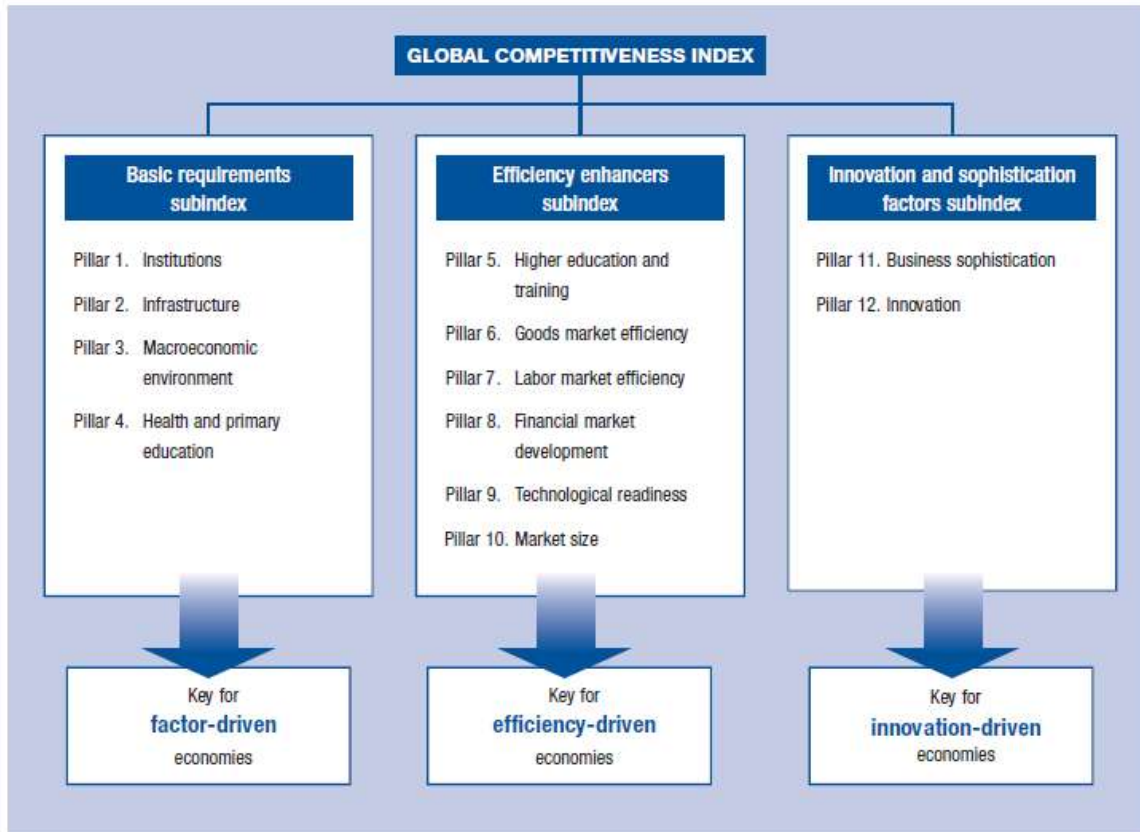
تولیدی مولد و بهره‌ور را نشانه نمی‌گیرند و اگر سیاست‌گذاران سودای پیشرفت و تعالی یا توسعه این مرز و بوم را در سر می‌پرورند باید به‌طور جدی به آن بپردازند.

جدول 1: رتبه توسعه بازارهای مالی در ایران، گزارش رقابت‌پذیری WEF

رتبه ایران در توسعه بازارهای مالی	تعداد کشورهای مورد ارزیابی	سال	
۱۲۸	۱۴۴	۲۰۱۴-۱۵	۱
۱۳۰	۱۴۸	۲۰۱۳-۱۴	۲
۱۲۳	۱۴۴	۲۰۱۲-۱۳	۳
۱۲۳	۱۴۲	۲۰۱۱-۱۲	۴
۱۲۰	۱۳۹	۲۰۱۰-۱۱	۵

همان‌طور که خوانندگان فرهیخته در جریان هستند ایران اسلامی طی سال ۲۰۱۴-۱۵ در این رتبه‌بندی در بین ۱۴۴ کشور با یک پله نزول نسبت به سال قبل از آن یعنی ۲۰۱۳-۱۴ در رتبه ۸۳ قرار گرفته که حاصل ترکیب رتبه‌بندی در دوازده رکن است که در سه بخش نیازهای پایه، ارتقادهندگان بهره‌وری، و در نهایت عوامل مربوط به نوآوری دسته‌بندی شده‌اند. این در حالی است که ایران در سال‌های گذشته رتبه‌هایی بین ۶۰ تا ۷۰ را نیز تجربه کرده‌است.

Figure 1: The Global Competitiveness Index framework



در این گزارش بخش‌های سه‌گانه‌ای که در شکل یک آمده‌است، به‌صورتی دسته‌بندی شده‌اند که نشان دهند هر یک از کشورهای مورد ارزیابی در چه مرحله‌ای از توسعه قرار دارند و باید بر چه فاکتورهایی تمرکز کنند. در مرحله اول بنگاه‌های یک کشور با اتکا بر ارزانی عوامل تولید (منابع انسانی یا طبیعی) می‌توانند در اقتصاد دنیا رقابت کنند. در مرحله دوم توجه بنگاه‌ها معطوف به بالابردن عملکرد و بهره‌وری عوامل تولید است و در مرحله سوم، بنگاه‌ها بر نوآوری و ارتقای شایستگی‌هایشان متکی هستند. از نگاه تهیه‌کنندگان گزارش ارتقای رقابت‌پذیری برای همه کشورهای نسخه‌ای یکسان ندارد. به عبارت دیگر مهم است که توجه شود چه پیشران‌های می‌تواند جایگاه هر کشور در کسب‌وکار بین‌المللی را ارتقا بخشد. به این ترتیب کشورها به پنج گروه تقسیم می‌شوند:

۱. کشورهایی که در مرحله اول قرار دارند.

۲. کشورهای در حال گذار از مرحله اول به مرحله دوم.
۳. کشورهای حاضر در مرحله دوم.
۴. کشورهای در حال گذار از مرحله دوم به مرحله سوم.
۵. کشورهایی که به مرحله سوم توسعه رسیده‌اند.

بر این اساس ایران جزء کشورهای دسته‌بندی می‌شود که در حال گذار از مرحله اول به مرحله دوم است.

در مرحله اول پیشرانه توسعه، عوامل تولید هستند و بنگاه‌های این دسته از اقتصادها در عرصه جهانی بر اساس ارزانی منابع طبیعی و نیروی کار فاقد مهارت به رقابت می‌پردازند. شرکت‌ها بر اساس قیمت و فروش محصولات پایه یا کالاهای اساسی رقابت می‌کنند و کارایی پایین‌شان در سطح پایین دستمزدها بروز می‌کند. بهبود توسعه در این مرحله متکی به بهبود کارایی نهادهای عمومی و خصوصی، توسعه زیرساخت‌ها، پایداری اقتصاد کلان، و داشتن نیروی کار سالمی که آموزش‌های پایه در آن ارتقا می‌یابد، خواهد بود.

مرحله دوم با افزایش سطح دستمزدها در اثر توسعه مرحله نخست آغاز می‌شود. در این مرحله پیشرانه کشورها برای رقابت در کسب‌وکار بین‌المللی ارتقای بهره‌وری است. از آنجا که در این مرحله سطح دستمزدها ارتقا یافته، دیگر کارایی و بهره‌وری پایین با دستمزد پایین جبران نمی‌شود و بنگاه‌ها مجبورند علاوه بر بالا بردن کیفیت کالاها به وسیله بهره‌وری بالاتر به جبران هزینه‌ها بپردازند. در این جا ارکان ارتقادهنده بهره‌وری موضوعیت بیشتری می‌یابند و باید بر آن‌ها تمرکز شود. آموزش‌های عملی و نظری بیشتر، بازار کالای کارا، بازار کار کارآمدتر، بازار پول توسعه‌یافته‌تر، توانمندی در بهره‌گیری بیشتر از تکنولوژی‌های موجود و در نهایت دسترسی به بازار بزرگ داخلی یا خارجی شش رکنی هستند که موتور محرک ارتقای کشورها در سطح بین‌المللی خواهند بود.

در مرحله سوم این نوآوری است که پیشرانه توسعه خواهد بود. در این مرحله با بالاتر رفتن سطح دستمزد و استانداردهای زندگی تنها ارائه محصولات نو و انحصاری توان پوشش هزینه‌ها و حضور در کسب‌وکار بین‌المللی را میسر می‌کند. شرکت‌ها در این مرحله ناگزیر از ارتقای بهره‌وری به بالاترین سطح خود هستند و گریزی از نوآوری در محصولات و فرآیندها ندارند.

حضور ایران در وضعیت گذار از مرحله اول به مرحله دوم علاوه بر این که نشان می‌دهد هنوز کارهایی در سطح اول باقی است اما تمرکز بر ارکان دوم نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقای وضعیت حضور کشور در

کسب‌وکار بین‌المللی خواهد داشت و پرداختن و تمرکز بر این ارکان رفته‌رفته در اولویت هرچه بیشتر قرار خواهد گرفت.

1.1: The Global Competitiveness Index 2014-2015

Table 4: The Global Competitiveness Index 2014-2015 (cont'd)

Country/Economy	OVERALL INDEX		SUBINDEX					
	Rank	Score	Basic requirements		Efficiency enhancers		Innovation and sophistication factors	
Sri Lanka	73	4.19	75	4.51	75	3.97	43	4.00
Botswana	74	4.15	72	4.53	84	3.87	110	3.22
Slovak Republic	75	4.15	70	4.58	51	4.31	73	3.59
Ukraine	76	4.14	87	4.36	67	4.11	92	3.41
Croatia	77	4.13	63	4.66	68	4.11	87	3.47
Guatemala	78	4.10	84	4.39	76	3.96	62	3.68
Algeria	79	4.08	65	4.64	125	3.34	133	2.91
Uruguay	80	4.04	47	4.90	72	4.01	85	3.47
Greece	81	4.04	76	4.50	65	4.15	74	3.55
Morocco	82	4.03	88	4.08	95	3.88	108	3.04
Iran, Islamic Rep.	83	4.03	71	4.57	98	3.70	102	3.33
Botswana	84	4.01	60	4.41	50	3.91	46	3.36
Armenia	85	4.01	82	4.40	87	3.82	100	3.34
Jamaica	86	3.98	90	4.11	77	3.95	71	3.60
Tunisia	87	3.96	85	4.38	94	3.74	93	3.40
Namibia	88	3.96	81	4.40	97	3.71	91	3.41

همان‌طور که در جدول چهارم گزارش مذکور قابل مشاهده است رتبه ایران در دسته «ارتقادهندگان کارایی» ۹۸ است که وقتی ارکان مختلف این رتبه‌بندی در جدول ششم مورد بررسی قرار می‌گیرد، متوجه می‌شویم که عمده امتیاز مربوط به «اندازه بازار» و کسب رتبه ۲۱ در این زمینه است و مابقی ارکان و از جمله رکن «مالی» وضعیت بسیار نامناسبی دارد و ایران را در رتبه ۱۲۸ می‌نشانند. این موضوع به این معناست که بنگاه‌های ایرانی نمی‌توانند هزینه‌های خود و از جمله هزینه‌های مالی‌شان را به نحوی مدیریت کنند که نه تنها در سطح جهانی که در بازار داخلی نیز توان رقابت داشته‌باشند و این عرصه را قدم به قدم به کالاهای خارجی تقدیم می‌کنند. از سوی دیگر شرایط جامعه و تلاش فرساینده صدساله برای مدرن‌شدن و توسعه‌یافتن امکان جذب این نوع هزینه‌ها را توسط عوامل تولید و نیروی کار، مورد اشاره در مرحله اول توسعه، باقی نگذاشته‌است. به این ترتیب راهی جز ارتقای بازار عوامل تولید و از جمله بازار پول و بازار سرمایه باقی نیست.

Table 6: The Global Competitiveness Index 2014-2015: Efficiency enhancers

Country/Economy	PILLAR													
	EFFICIENCY ENHANCERS		5. Higher education and training		6. Goods market efficiency		7. Labor market efficiency		8. Financial market development		9. Technological readiness		10. Market size	
	Rank	Score	Rank	Score	Rank	Score	Rank	Score	Rank	Score	Rank	Score	Rank	Score
Albania	95	3.72	80	4.53	93	4.15	93	4.02	114	3.38	91	3.30	105	2.94
Algeria	125	3.34	98	3.69	136	3.48	139	3.15	137	2.72	129	2.50	47	4.29
Angola	140	2.84	144	1.94	143	2.92	128	3.52	140	2.50	140	2.34	65	3.84
Argentina	93	3.75	45	4.83	141	3.14	143	2.97	129	3.04	82	3.54	24	4.97
Armenia	87	3.82	75	4.26	64	4.37	74	4.20	97	3.71	71	3.72	118	2.75
Australia	15	5.16	11	5.07	29	4.76	56	4.30	8	5.41	19	5.04	19	5.14
Austria	21	4.96	15	5.58	22	4.98	43	4.45	43	4.45	18	5.74	17	4.61
India	61	4.19	83	3.80	95	4.13	112	3.81	51	4.34	121	2.75	3	6.20
Indonesia	81	4.18	82	4.32	90	4.14	100	3.82	49	4.46	72	3.61	25	5.04
Iran, Islamic Rep.	96	3.70	78	4.17	120	3.93	142	3.01	128	3.35	107	2.95	21	5.09
Ireland	81	4.67	17	5.81	13	5.23	18	4.92	8	5.48	16	5.05	13	5.16
Israel	26	4.25	36	5.00	70	4.74	59	4.77	20	4.87	15	5.78	44	4.96
Italy	47	4.26	47	4.78	73	4.38	136	2.26	119	3.35	38	4.82	12	5.57

حتی اگر موضوع رقابت جهانی نیز مطرح نباشد و کالایی نظیر مسکن مطرح شود نکات قابل توجهی در این ارتباط وجود خواهد داشت. برنامه‌ریزی برای کالایی که تأمین آن به‌عنوان یک حق طبیعی برای افراد شناخته می‌شود و همچنین تأکید زیادی هم در قانون اساسی بر آن شده است، به‌صورت دغدغه‌ای اساسی برای دولت خودنمایی می‌کند. به‌عنوان مثال گزارش مک‌کنزی از تأمین مسکن اقتصادی که از یک سو تهیه آن به‌لحاظ مالی در وسیع یک خانواده باشد و از سوی دیگر با بازار کار فاصله مناسبی داشته باشد، نشان می‌دهد که اصلاح نظام مالی می‌تواند تا **هفت درصد** از هزینه‌های تولید یک واحد مسکونی را کاهش دهد. (McKinsey, 2014) این موضوع علاوه بر این که اهمیت بخش مالی در هزینه‌های تولید را نشان می‌دهد این نکته را نیز روشن می‌کند که از این طریق چه‌طور می‌توان بر کارایی و سلامت و رفاه نیروی کار در یک اقتصاد تأثیر گذاشت؛ موضوعی که از طریق بهره‌ور کردن نیروی انسانی تأثیری غیرمستقیم بر رقابت‌پذیر ماندن اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی خواهد داشت.

اشاره به گزارش رقابت‌پذیری علاوه بر آن که چارچوبی برای ادامه بحث فراهم آورد، برای آن بود که نشان داده‌شود که در حوزه مالی با مشکل مواجهیم و هر اما و اگری را که در نحوه تهیه گزارش بیاوریم، آن کس که دستی بر آتش دارد با شواهد بسیار دیگر، مشکلات عمیق حوزه مالی کشور را تأیید خواهد کرد. از سوی دیگر این گزارش نشان می‌دهد که پرداختن به بازار پول و سرمایه و توجه به آن از جمله عواملی است که در بقا و ارتقای بنگاه ایرانی در سطح بین‌المللی بسیار مؤثر بوده و در اولویت است.

نقش تحریم‌ها در پرده‌برداری از کاستی‌ها

یکی از صاحب‌نظران^{۱۷} «تغییر» در حوزه سازمان‌ها معتقد است که انسان‌ها دو مسیر متفاوت برای تغییر و رهایی از وضع موجودشان، که نمایی از آن در بالا اشاره‌شد، دارند. شاید نتوان به‌راحتی جامعه را به جای سازمان

قرار داده و حرف‌های سازمانی را به حوزه اجتماعی-اقتصادی بسط داد و اساساً تغییر سازمانی و تغییر اجتماعی دو مقوله با سطح پیچیدگی متفاوت باشند؛ اما احساس ما این است که از آن‌جا که این دو مسیر توصیف احوال یک فرد در فرایند تحول و دگرگونی است، می‌تواند توضیحی منطقی ارائه کند. نخست، مسیر تحلیل-تفکر-تحول است و دیگری مسیر دیدن-حس کردن-تحول. از دید این صاحب‌نظر نمایش‌هایی که احساس انسان‌ها را برمی‌انگیزد نسبت به تحلیل‌هایی که آنان را به اندیشیدن وا می‌دارد، عامل قوی‌تری برای تغییر است.

مسیر تحلیل-تفکر-تحول البته سال‌هاست که با افت‌وخیز از سوی اقتصاددانان و دانشمندان حوزه مالی و اقتصادی در ایران طی شده‌است. تلاش این عزیزان کم‌وبیش برای ما ابعاد مختلفی از یک بیماری مزمن را در نظام مالی و پولی تبیین کرده و نشان داده‌است ادبیات اقتصادی و مالی جهان در این رابطه چه حرف‌هایی برای گفتن دارد.

در عصری که «بانکداری مدرن کار آماتورها نیست.»^v این بیماری مزمن به قول دکتر محمدطیبیان^{vi} بیش از صد سال است که وجود دارد به‌نحوی که ایران در زمان قاجار به‌طور اتفاقی به‌جای راه‌آهن صاحب بانک شد اما جمله «البانک و ما ادریک مال‌البانک» سیدجمال‌الدین اسدآبادی، در تحذیر علما به‌جهت ورود بانک، هم‌چنان بر فهم عمومی ما از نظام پولی و بانکی غلبه داشته و باعث شده‌است تا نتوانیم به اعمال درست سیاست‌های پولی بپردازیم و امروز فاصله قابل توجهی را با نظام‌های جهانی اداره پول و سرمایه تجربه کنیم.

در مسیر بیش از صدساله تأسیس نهاد بانک در ایران نکات مختلفی هست؛ اما نقش بانک در تغییر تعامل حکومت با مردم نیز بسیار برجسته است. با حضور تأسیس بانک ملی ایران اتفاقی میمون رخ داد که رابطه تعریف‌شده براساس غارت و زورگیری و بدعهدی‌ها و روابط یک‌طرفه میان حکومت و مردم به اعتماد تبدیل شد و پایانی بود بر احتکار نقدینگی توسط مردم. تغییری که البته با فقدان یک «سیاست پولی» مشخص باعث شد تا با پدیده «تورم» نوعی خراج بی‌منت شکل بگیرد و هزینه‌های حکومت به تدریج از ارزش پس‌انداز مردم تأمین شود. دولت‌ها بانک‌ها را بخشی از سیستم مالی خود تلقی کنند و در بسیاری از امور بانکی، از جمله تخصیص منابع دخالت کنند. نرخ‌های سود و هزینه تسهیلات به‌طور غیرواقعی و با ملاحظات سیاسی تعیین شود که به بی‌تعادلی در منابع و مصارف بانک‌ها، ایجاد رانت، و تمرکز تسهیلات در دست عده‌ای معدود و انتقال ثروت سپرده‌گذاران به وام‌گیرندگان، و انباشت فزاینده اعتبارات معوقه بی‌انجامد و از شکل‌گیری یک بخش مالی قوی در جهت پیشرفت اقتصادی جلوگیری کند.^{vi i}

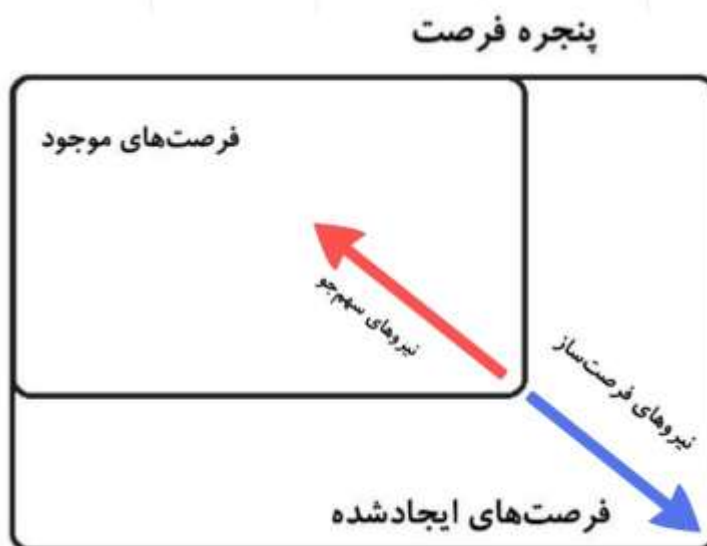
اقتصاددانان مختلفی بر این عقیده هستند که نباید از بانک‌ها در جهت اهداف دولت‌ها سوءاستفاده شود. یوجین فاما یکی از برندگان نوبل اقتصاد در سالی که گذشت نیز بر همین اعتقاد است و زمانی که مجله تجارت فردا از او در خصوص مشکل «وام‌های معوق» بانک‌های ایرانی پرسیده‌است او به این نکته اشاره کرده که «معمولاً زمانی که از بانک‌ها برای مقاصد سیاسی استفاده می‌شود، دچار ورشکستگی می‌شوند. زمانی که از بانک‌ها برای اهداف سیاسی و پوپولیستی استفاده می‌شود، بانک‌ها ناچار می‌شوند بی‌ضابطه تسهیلات بدهند. بنابراین در معرض مشکلاتی نظیر مطالبات معوق قرار می‌گیرند.»

البته سردرگمی‌ها در این مدت باعث شد تا «بازار سرمایه» نیز در تعامل با «بانک» آن‌چنان که باید شکل نگیرد و معماری نظام مالی ما «بانک‌پایه» شود و از توسعه بازار سرمایه غفلت کنیم و بانک و بازار سرمایه به‌عنوان دو نهاد مهم در اختصاص منابع مالی آن‌چنان که باید هم‌پای هم رشد نکنند و هر یک به‌جای آن‌که در تعامل با یکدیگر به تقویت و رشد و هم‌چنین پوشش ریسک‌ها و ضعف‌های هم عمل کنند، به‌نوعی رقیب هم باشند.

قصد این سخن البته پرداختن به این مشکلات و فهرست کردن‌شان نیست و همان‌طور که بیان شد می‌توان از تولیدات فکری و پژوهشی و تحلیلی بزرگان مالی و اقتصادی به این فهرست رسید. رایین که بنگاه‌های ایرانی توانسته‌اند سال‌ها بدون گذار از مرحله اول به مرحله دوم دوام بیاورند، مرهون داشتن منابع غنی نفتی و غیرنفتی بوده‌است و تحریم‌ها توانست خطر ماندن در این برزخ را پیش چشم ما بنشانند. اگرچه هنوز در مرحله اول توسعه کارهایی باقی‌ست که ضرورت پرداختن به آن‌ها در شرایط تحریم آشکارتر شده‌است، امیدواریم گذار از تحریم ما را به وضعیت قبل باز نگرداند و تغییر رویکرد دولت به نحوه تأمین هزینه‌های خود به یک تغییر عملی منجر شده و تثبیت شود تا خطر بازگشتن آن به وضعیت قبل میسر نباشد.

اما اگر به مسیر دوم تغییر و تحول بازگردیم با دیدن و مشاهده حس کردن - و در نهایت تغییر مواجهه‌ایم. نعمت برخورداری از «نفت» باعث شده‌است در تمام طول صدسال گذشته تهدیداتی را که به‌واسطه توضیحات بالا متوجه ماست حس نکنیم. با وجودی که سال‌هاست نسبت به پایان‌پذیری منابع نفت و امکان دگرگون شدن پارادیم‌ها در حوزه انرژی صحبت می‌شود، چندان همدلی و احساس لازم برای تغییر رفتار در ما شکل نگرفته‌است اما تحریم‌ها توانست به ما «نشان دهد» که اگر نتوانیم نقاط ضعفمان را با پول نفت بپوشانیم چه تهدیدهایی پیش روی ماست.

آنچه به طور خلاصه در این مجال می‌توان اشاره کرد این است که پنجره فرصت‌ها در کشور نظیر ما که سودای پیشرفت در سر می‌پرورد، تحت دو نیرو واقع است. نیرویی که با نوآوری، خلاقیت، و کارآفرینی در جهت گشوده‌تر شدن این پنجره در تلاش است و البته توقع دارد به‌میزان ایجاد گشایش در فرصت‌ها از آن‌ها سهم ببرد و از سهم او در این مسیر حفاظت شود و «انحصار» او در این تلاش و مخاطره‌ای که پذیرفته به رسمیت شناخته‌شود. نیروی دومی نیز هست که به‌دنبال سهم‌خواهی از فرصت‌های ایجادشده موجود است و طبیعی است در این مسیر مخاطرات کمتری را می‌پذیرد و این «رقابت» است که در این جهت حرف اول را می‌زند. اما نکته این‌جاست که در تئوری‌های اقتصادی «رقابت» راهی برای تمول نیست و از همین‌جاست که متأسفانه در این جهت به رانت‌خواهی متوسل می‌شود و به‌دنبال آن «انحصار» طلبی‌های نامشروع شکل می‌گیرد.



باید اعتراف کرد که وجود نعمت «نفت» و سایر نعمت‌های طبیعی باعث شده که کشور ما فرصت‌های موجود بسیاری داشته‌باشد و تلاش‌ها معطوف سهم‌خواهی از این فرصت‌ها شود و توانی برای نیروی «فرصت‌ساز» نماند و چه‌بسا ضرورتی برای تقویت آن نیز احساس نشود. تحریم‌ها به ما نشان داد که اختصاص منابع و انرژی کشور به نیروی معطوف به استفاده از فرصت در فضایی غیررقابتی و بدون «شفافیت» لازم تا چه حد انگیزه‌ها را در نیروهای خلاق و نوآور معطوف به گسترش فرصت‌ها گشته‌است. شواهد تصویری که تلاش شد توصیف شود البته در گزارش‌هایی نظیر گزارش رقابت‌پذیری و رتبه‌هایی که در آن قرار گرفته‌ایم نیز بیان شده‌اند. از عواملی که

باعث شده است روند خروج نخبگان از کشور و ناتوانی در جذب نخبگان سایر کشورها روندی نامطلوب داشته باشد، همین نوع تخصیص منابع و نیروها بوده است.

اگرچه در وضعیت کنونی در مرحله گذار از مرحله اول توسعه به مرحله دوم توسعه قرار داریم و تا حدودی همین وضع تصویر توسعه‌ای فوق را توجیه می‌کند اما این موضوع نباید ما را از آینده‌ای که با رسیدن و گذار از مرحله دوم باید به آن پردازیم غافل کند.

البته خروج از تحریم و پایان دادن به تحریم‌های ظالمانه سیاست بسیار درستی است که در دولت تدبیر و امید پیگیری می‌شود اما اگر نتوانیم با رویکردی نو وارد فضای پس از تحریم شویم تمام هزینه‌هایی که در این دوران پذیرفته‌ایم هدر خواهد شد و هیچ یادگیری درستی رخ نخواهد داد. اگر انکار کنیم که با «مدیریت ضعیف» خودمان به تحریم‌ها دامن زده‌ایم و با آمادگی لازم وارد فضای تحریم نشدیم و فضایی نو را در «مدیریت خرد و کلان» تجربه نکنیم بسیار ضرر کرده‌ایم.

در این جا سؤال این است که آیا نظام پولی ما به‌طور عام و «بانک»‌های ما به‌طور خاص خواهند توانست به‌عنوان یک پیشرانۀ تغییر، تأثیراتی را که در گذشته بر تغییر پارادایم روابط حاکم بر کشور گذاشته‌اند تکرار کنند و با اتخاذ سیاست‌هایی درست در نیروهای حاکم بر فضای کسب‌وکار، کشورمان را به نفع پیشرفت و توسعه فرصت‌های داخلی و بین‌المللی جهت‌دهی کنند. آیا نوع روابط میان دولت و بخش مالی همان تغییری را که با تأسیس بانک میان حکومت و مردم رخ داد تجربه خواهد کرد و جریان نقدینگی سمت‌وسوی بخش واقعی اقتصاد را در پیش خواهد گرفت؟

این احتمال نیز وجود دارد که خروج از تحریم طولانی شود یا به نتیجه نرسد. در این وضعیت ما باید روابط خود را شکل بدهیم. تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل در سایه قواعد و تعهداتی ممکن است که بتوانیم آن‌ها را ایجاد کنیم، مدیریت کنیم و به آن‌ها پای‌بند بمانیم تا دیگران نیز در این مسیر ما را باور داشته باشند و باور کنند.

صنعت بانکداری در دوره گذار از تحریم

همان‌طور که در ابتدای سخن بیان شد ایران در مرحله‌ای از توسعه است که دیگر شرایط اجازه نمی‌دهد با فشار بر هزینه‌های نیروی کار به بقا و رقابت در سطح جهانی پرداخته شود. در این مرحله اگر از مردم خواسته شود که در آب و در برق صرفه‌جویی کنند، مردم نمی‌توانند قبول کنند که وضعیت آبیاری کشاورزی در حالی که عمده

مصرف آب کشور را دارد، مطلوب نباشد و به آن توجهی نشود و این بهره‌وری پایین با کنترل مصرف آنان جبران شود. یا آن‌که شبکه برق رسانی با مشکلات زیادی در اتلاف برق مواجه باشد، اما مردم با این توقع روبرو شوند که این هزینه را با صرفه‌جویی جبران کنند.

در شرایط وفور درآمد نفتی البته می‌توان همه کاستی‌های بالا را به قیمت کاستن از سرعت پیشرفت و توسعه از درآمد نفت جبران کرد اما وقتی چنین قدرتی وجود نداشته‌باشد، باید راهی دیگر رفت.

صنعت بانکداری نیز از این قاعده مستثنی نیست. در وضعیت حاضر بانک‌ها به عنوان یک «بنگاه» در شرایطی قرار دارند که باید به تغییر قاعده ساختن سود توجه کنند و تلاش خود را بر بهبود ساختار و فرآیندهای کاری خود بگذارند تا بتوانند حتی با حضور بانک‌های خارجی در کشور به ادامه خدمات‌دهی بپردازند و بازار بزرگ داخلی را از دست ندهند و در شرایطی که حضور بانک‌های خصوصی برای بانک‌های دولتی ایجاد کرد نسبت به حضور بانک‌های خارجی قرار نگیرند. در این جهت باید به آموزش و ارتقای مهارت کارکنان، کارایی بیشتر بازار کار، و البته به موضوع فناوری و اصلاح فرآیندها توجه ویژه داشته‌باشند.

از سوی دیگر به عنوان یک بازیگر عمده در نظام تأمین مالی بنگاه‌های دیگر شرایطی را فراهم کنند که هزینه تأمین مالی برای سایر بنگاه‌ها را برای رقابت در سطح جهانی و حتی در بازار داخلی در برابر کالاهای خارجی کاهش دهند. همه می‌دانیم که رفع تحریم‌ها چه نقش مهمی در کاهش این هزینه‌ها خواهند داشت اما این موضوع نباید ما را از بار هزینه‌ای که ساز و کار ارائه خدمات و نوع مدیریت بانک‌ها ایجاد می‌کنند غافل کند. مردم نمی‌توانند بپذیرند که با کنترل مصرف خود پس‌انداز کنند و سرمایه خود را در اختیار بانک‌ها قرار دهند تا به بخش واقعی اقتصاد سوق داده‌شود و زمینه‌ساز توسعه کشور باشد؛ اما به جهت همین هزینه‌هایی که شبیه به اتلاف برق در شبکه فرسوده است، سرمایه آنان در پیچ‌وخم سردرگمی‌ها آب شود و آن‌ها بهره کمتری از ارزش واقعی سرمایه خود دریافت کنند.

گزارش سال‌های ۱۴-۲۰۱۳ و ۱۵-۲۰۱۴ نشان می‌دهد بخش مالی که یکی از اجزای دسته‌بندی شده در رکنی است که در آن ارتقای عملکرد اهمیت دارد با وضعیت وخیمی روبروست و در این حوزه رتبه کشور در زمره کشورهای انتهایی است.

گزارش سال ۱۴-۲۰۱۳

8th pillar: Financial market development		
8.01	Availability of financial services	3.1 137
8.02	Affordability of financial services	3.1 135
8.03	Financing through local equity market	3.2 86
8.04	Ease of access to loans	1.5 148
8.05	Venture capital availability	1.8 139
8.06	Soundness of banks	4.1 121
8.07	Regulation of securities exchanges	3.9 82
8.08	Legal rights index, 0-10 (best)*	4 101

گزارش سال ۱۵-۲۰۱۴

8th pillar: Financial market development		
8.01	Availability of financial services	2.9 135
8.02	Affordability of financial services	3.1 130
8.03	Financing through local equity market	3.0 99
8.04	Ease of access to loans	1.6 141
8.05	Venture capital availability	1.9 133
8.06	Soundness of banks	3.8 125
8.07	Regulation of securities exchanges	3.6 102
8.08	Legal rights index, 0-10 (best)*	4 96

با نگاه در آیینۀ گزارش رقابت‌پذیری و مقایسه نتایج فوق در دو سال متوالی باید اعتراف کنیم که بهبود درخوری در کل فضای کسب‌وکار به‌طور عام و در حوزه بخش مالی کشور به‌طور خاص نداشته‌ایم و در تک‌تک موارد زیر نیاز به برداشتن گام‌های جدی داریم و فراموش نکنیم که در این مسیر بازار سرمایه و نقش آن در تأمین مالی دارای پتانسیل‌هایی است که حتماً باید به آن توجه داشت.

- ۱- دسترسی به خدمات مالی
- ۲- توان پرداخت هزینه‌های مالی
- ۳- تأمین مالی از بازار سرمایه داخلی
- ۴- سهولت دریافت تسهیلات و وام
- ۵- امکان‌پذیر بودن سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر

۶- سلامت بانکها

۷- قانون گذاری و وضع مقررات بازار سرمایه (بورس و اوراق بهادار)

۸- حوزه حقوقی

سخن آخر

آنچه در خصوص بخش مالی کشور گفته شد، در مورد سایر عوامل ارتقادهنده کارایی نیز صادق هستند. توضیح مفصل این موضوع را شاید بتوان بهتر و مفصل تر در کتاب «بهره‌وری صنعت ایران: بررسی توان رقابت پذیری بنگاه‌های صنعتی» نوشته اساتید بزرگوار، دکتر مسعود نیلی، دکتر حسن درگاهی، و دکتر سیدفرشاد فاطمی یافت. آن چه می‌خواهیم به عنوان سخن آخر به آن اشاره کنیم این است که با قبول و پذیرفتن این واقعیت که ایران در حال گذار از مرحله اول به مرحله دوم توسعه است و چشم بستن بر برخی آرزوها که همه ما ایران را در جایگاه‌های برتر جهانی می‌خواهیم، به جای آن که توان و انرژی و سرمایه کشور را صرف دست‌وپا کردن جایگاهی برای کشور در ویتترین‌های جهانی کنیم به این نکته توجه داشته باشیم که حاشیه تأثیر ارتقای جایگاه کشور در موضوعاتی که رتبه‌های خوبی در آن نداریم، بسیار بیشتر است و اگر بتوانیم بر فرض مثال رتبه کشور در بخش مالی را از جایگاه ۱۲۸ام به جایگاه ۹۰ام برسانیم بسیار بیشتر منتفع خواهیم شد تا این که زیرساخت‌هایمان را از جایگاه ۶۹ به جایگاه ۳۹ برسانیم. این نکته نیز از یادمان نرود که توسعه در هر بخش زمان خود را دارد و تا زمانی که نتوانسته باشیم در بخشی که به عوامل ارتقای کارایی مربوط است تحول مناسبی ایجاد کنیم، سرمایه‌گذاری برای بهبود وضعیت نوآوری چندان اثر نخواهد کرد. یا آن که در وضعیتی که دانشگاه‌های مهندسی ما در رتبه نسبتاً خوبی مثل رتبه ۴۴ قرار دارد بسیار بهتر است تا امکانات خود را برای بهبود آموزش‌های مدیریت که در رتبه ۱۰۳ قرار گرفته، یا آموزش‌های کارکنان که از رتبه غیرقابل بیان ۱۳۵ برخوردارند صرف کنیم.

پی نوشت‌ها:

-
- i. فاما، یوجین، هفته‌نامه تجارت فردا، شماره ۸۱، ۲۳ فروردین ۹۳، ص ۱۱۱
- ii. The Global Competitiveness Report 2013-14, WEF (World Economic Forum)
The Global Competitiveness Report 2014-15, WEF (World Economic Forum)
- iii. فاما، یوجین، هفته‌نامه تجارت فردا، شماره ۸۱، ۲۳ فروردین ۹۳، ص ۱۱۱
- iv. John P. Kotter
- v. فاما، یوجین، هفته‌نامه تجارت فردا، شماره ۸۱، ۲۳ فروردین ۹۳، ص ۱۱۱
- vi. طبیبیان، محمد، «تحولات پولی و بانکی در ایران: تجربه‌ها و فرصت‌ها»، نخستین کنفرانس بین‌المللی صنعت بانکداری و اقتصاد جهانی، ۱۳۹۱
- vii. همان